



## خاطرات یک مبارز انقلابی

تاریخ مبارزات انقلاب اسلامی آکنده از خاطراتی است که در برگزیده خاطرات تلخ و شیرین، شکل‌گیری، تغییرات و فراز و فرودهای گروه‌ها، انگیزه مبارزت، فرارها، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها، مقاومت در زیر شکنجه‌های وحشیانه و... است. خاطرات مبارزانی برخاسته از متن مردم که خواسته‌های مردم را نمایندگی می‌کردند و در پی آن بودند تا طاقت را کنار بزنند و در راه آرمان‌های اسلامی از هیچ چیز دریغ نکنند. یکی از برجسته‌ترین این خاطرات،

خاطرات عزت‌الله مطهری است که در کتابی به نام خاطرات «عزت‌شاهی» به همت مجتبن کاظمی به رشته تحریر درآمده و توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. کتابی که سعی کرده است در سیزده فصل زندگی عزت‌الله مطهری را به عنوان مبارزی که نماد مقاومت در برابر شکنجه‌گران ساواک و یکی از مبارزان مورد اعتماد اکثر گروه‌ها است را به تصویر بکشد. مبارزی که حتی اقدامات مسلحانه نیز علیه رژیم پهلوی در کارنامه خود دارد.

تدوین‌کننده کتاب برای مستندسازی کتاب در منابع و ماخذ متنوع از قبیل

منابع مکتوب الکترونیکی و منابع شفاهی به تحقیق و جست‌وجو پرداخته و حدود سه هزار سند، اخبار، گزارش‌های حوادث مربوط به گروه‌ها و مبارزان ضد

شاهی قبل از انقلاب و پس از انقلاب، شرح زندگی شخصیت‌های مطرح قبل و

پس از انقلاب را واکاویده و با عزت‌شاهی در میان گذاشته است.

ویژگی این خاطرات نسبت به خاطرات تک‌شاهی و حوادث و رخدادهای دوران شفاهی بودن آن است. چرا که برای تعریف و تأیید گفتار راوی کتاب، نقشی به اظهارات و گفتار شفاهی شخصیت‌های مطرح در خاطرات وی زده است. کاظمی این افراد را از نقاط دور و نزدیک یافته و به پای مصاحبه درباره موضوعات تحقیق نشانده است.

کاظمی در فرایند شکل‌گیری کتاب تلاش کرده تا جایی ممکن برای شخصیت و نقش آفرینان خاطرات عزت‌شاهی و حوادث و رخدادهای دوران مبارزات وی سند و مدرک ارائه دهد و حقیقت تاریخی را بازسازی کند تا چیزی پنهان نماند. وی به شرح احوال و در صورت امکان مشخصات ظاهری افراد اشاره کرده تا خواننده با داده‌ها و اطلاعات بیشتری داری کند. در بخشی از آمده است: «شب، بازجوی‌های شکنجه چر دوباره بازگشتند و گفتند: نمی‌توان به همین صورت وضع را ادامه داد، باید همین امشب کلتیک را کند. امشب باید شب شهادتش باشد! امرا برنند و بعد از کتیک مفصل از ما، پاهای ما بستاند و پاره‌ها را بپزد، بعد از دقایقی آمدند و مرا به روی زمین انداختند. بعد مجبورم کردند که روی چهار پای‌های بایستم، دست‌هایم را از طرفین به میخ بولهای ری دریا، بستند و بعد چهارپایه را از زیر پام کشیدند و مصلوبم کردند. تمام وزم را با دست‌هایم تحمل می‌کرد. دستبند لحظه به لحظه بیشتر در میج دستم فرو می‌رفت. خون به دستم نمی‌رسید. پنجه‌هایم بی‌حس شده بودند، به همین اکثفا کردند و شروع کردند به شلاق زدن به کف پا و روی پایی... سلاستی به این نحو آذیت و شکنجه شدم و بعد دوباره مرا به اتاق حسینی بردند. وقتی چیزی گیرشان نیامد و حساسی از نفس افتادند، بازم کردند و به پشت بند بردند. حدود ۲۴ ساعت آنجا افتاده بودم».

## روایتی از مداخلات آمریکا در ایران

جلد اول کتاب «مداخلت» که به بررسی ۲۵ سال جنایت آمریکا در ایران از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد در ۲۵۰ صفحه به چاپ رسیده و شامل مقاطع حساس تاریخ ایران نظیر کودتای ۲۸ مرداد، شکل‌گیری ساواک، قیام ۱۵ خرداد، کاپیتولاسیون و... است.

کتاب «مداخلت» پنجاه و سومین جلد از مجموعه نیمه‌پنهان دفتر پژوهش‌های کیهان است که در ۲۵۰ صفحه به قلم «مکرم‌ان غضنفری» نگاشته

شده است.

در بخشی از کتاب آمده است: روزنامه «هآرتس» در شماره مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸ و روزنامه «همارو» در شماره ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ نوشتند که به تقاضای شاه، ارتش اسرائیل در مقابله با تظاهرات مردم ایران، قاطعانه با نام جمعه سیاه (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) را به وجود آوردند. براساس نوشته این مطبوعات، دولت اسرائیل یک گروهان کم‌اندوز وریزه در عمل خرابکاری و عملیات شهری را به‌وسیله خن‌هویاپهانی ال- حال به تهران اعزام داشت که تابع ارتاب اطلاعات ارتش اسرائیل بود. در این گروهان، تعداد زیادی از صهیونیست‌های ایرانی که زبان فارسی را خوب می‌دانستند، به چشم می‌خورد و کلیه افراد واحد ملیس به پیونفورم نظامی ارتش ایران بودند و مقامات ایرانی برای کتمان این موضوع شایع کردند که افراد این گروهان از بلوچستان به تهران آمده‌اند.

فرمانده این گروهان در دهه ۱۹۶۰، فرمانده بخش میانی اسرائیل و سپس مشاور نخست‌وزیر در امور مبارزه با تروریسم و کارپرداز مهمات ویژه و تکنیک‌های مربوط به آن بود. افرادی از تشکیلات پنهانی یهودیان ایران که به‌عنوان دفاع نظامی از اقلیت یهودی تشکیل شده بود نیز در تهران به گروه‌های نظامی اسرائیل ملحق شدند. هم‌چنین پایگاه‌های کوچک نظامی اسرائیل در نزدیکی آبادان و بندرعباس نیز به آن سوی اسرائیلی‌ها اداره می‌شد، برای تمرین کارهای ضد-شورش شهری مورد استفاده قرار گرفتند. اسرائیل هم‌چنین با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، جنگ روانی شدیدی علیه مردم ایران به راه انداخت و به دفاع از حکومت شاه برخاست. به دنبال آن، افراد (مستول) را که در کشتار مردم ایران دست داشتند فراری داد و به بعضی از آنها مجوز پناهندگی به اسرائیل اعطاء کرد.۷۶

امام خمینی (ره) نیز در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۵۷، در پیامی به مناسبت حادثه زلزله طیس، به مسئله دخالت سربازان اسرائیلی در کشتار ملت ایران اشاره کردند. ایشان فرمودند:

«آنهایی که هزاران نفر از بهترین فرزندان ما را دیروز بی‌رحمانه قتل عام کرده و ملتی را به عزا نشاندند، امروز برای انحراف آذهان به تعزیه‌سرایی پرداخته و آشک تمساح برای زلزله‌زدگان می‌ریزند و عزای ملی اعلام می‌کنند، آنهایی که مسلمانان عزیز و پیرو قرآن کریم را با رگبار مسلسل درو کردند، و از فرار معروف از سربازان اسرائیلی برای کشتار مردم شجاع و بی‌پناه تهران - که تعداد کشتگان را بیش از چهارهزار نفر نقل می‌کنند - کمک گرفته و پس از قتل عام، آنان را کمونیست و مارکسیست خوانده‌اند، امروز دلسوز ملت شده‌اند. گری سبک (مستول امیران در شورای امنیت ملی آمریکا) نیز در این باره در کتاب خود می‌نویسد: «ای‌تالله خمینی در دیدار با یک آمریکایی، با قاطعیت گفت نیرو‌هایی که در میدان زاله به روی مردم ارتش گشودند، اسرائیلی بودند نه ایرانی».

## تصویر انقلاب

به روایت آرشیو کیهان

این گروه‌گرایی و وجه‌بندی‌ها بسیار به مسئله فلسطین آسیب زده است. من باز عرض بکنم اگر قرار باشد یک پیامی به امت اسلامی در این ایام فرستاده شود که ایام‌الله نیز است باید همان دعوت به وحدت میان همه مسلمانان باشد، اینگونه نباشد که به سمت شیعه‌گری یا سنی‌گری برویم، باید به سمت وحدت حرکت کنیم و این تفرقه را دور بریزیم و فلسطین تنها به وسیله ارتش اسلام در داخل با مقاومت و در بیرون با وحدت امت اسلامی باید آزاد شود.

**ابو شریف:** باید بگویم حضرت امام خمینی یک شخصیت بسیار بارز در بین امت اسلامی و حتی تاریخ اسلام بودند. در تاریخ اسلام ایشان هم یک شخصیت بارزی بودند و هم یک اندیشه ممتازی را مطرح کردند. ایشان آمدند و از سمبل‌ها و نشانه‌ها برای ابراز عقیده خود استفاده کردند، مثلا آمریکا را شیطان بزرگ خطاب کردند، منظور حضرت امام تحقیر طرف مقابل نبود یا نمی‌خواستند به کسی دشنام بدهند امام چنین شخصیتی نداشتند. بلکه ایشان هدفشان این بود که بیان کنند که بر اساس آیات قرآن دشمن امت اسلامی آمریکا است و باید با این شیطان دشمن دائمی باشید. همین طور صهیونیستی را شیطان کوچک خطاب کردند بعد از آن نیز روز قدس را نام‌گذاری کردند.

# انقلاب اسلامی ایران یک سونامی بود

که یک اقدام سمبلیک بود و هدفشان این بود که یک قلب‌نما برای امت اسلامی طراحی کنند که جهت آن به سمت قدس و فلسطین باشد و این قلب‌نما از مسیر و دیدگاه اسلامی خود منحرف نشود. چرا که قدس قبله اول تمام مسلمانان است. همین طور هدف دیگر امام خمینی «ره» تعیین فلسطین به عنوان قبله سیاسی امت اسلامی بود و این را به عنوان یک اولویت اول چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی کشورهای اسلامی مطرح کنند. همان طور که برادر عزیزم جناب آقای قدومی نیز آن را مطرح کردند هدف دیگر اسام از تعیین روز جهانی قدس مسئله وحدت امت اسلامی برای آزادی سرزمین‌های اشغالی بود. هدف امام خیزش امت اسلامی برای آزادی سرزمین فلسطین بود. همین طور این فکر نه تنها بر جریان مقاومت در داخل سرزمین‌های اشغالی تاثیر گذاشت بلکه بر گروه‌های دیگر مقاومت مثل حزب‌الله لبنان نیز تاثیر گذاشت. حتی مقام معظم رهبری اخیرا در یک سخنرانی که داشتند فرمودند که اگر این انقلاب‌های عربی اولویت اصلی خود را مسئله فلسطین قرار ندهند منحرف خواهند شد. این نشان می‌دهد که اصل اولویت ما باید مسئله فلسطین باشد. بنابراین باید بگویم که روز قدس انگیزه‌ای بود برای حرکت مردم و امت اسلامی به سمت آزادسازی فلسطین و باز تاکید می‌کنم اعلام این روز یک تاثیر معنوی عظیمی را بر مقاومت مردم فلسطین داشت.

**اگر انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ اتفاق نمی‌افتاد به نظر شما مسئله فلسطین به کجا ختم می‌شد؟**

**خالد قدومی:** تاریخ دوره‌های طبیعی خاص خود را دارد. تجسد و تزویج یک ویژگی طبیعی در تاریخ است. و جنگ بین حق و باطل قبل از آنکه در زمین شروع شود در آسمان اتفاق افتاد. به هر حال خداوند یک تصمیمی برای امت پیامبر اسلام حضرت محمد«ص» قرار داده است. خداوند در قرآن می‌فرماید اگر حرکت مردم برای زدودن افراد فاسد نبود دیگر نه مسجدی و نه کلیسایی باقی نمی‌ماند و کلا زمین از بین می‌رفت. این به چه معنی است، انقلاب اسلامی باید به پیروزی می‌رسید و رژیم ستمشاهی باید از بین می‌رفت.این

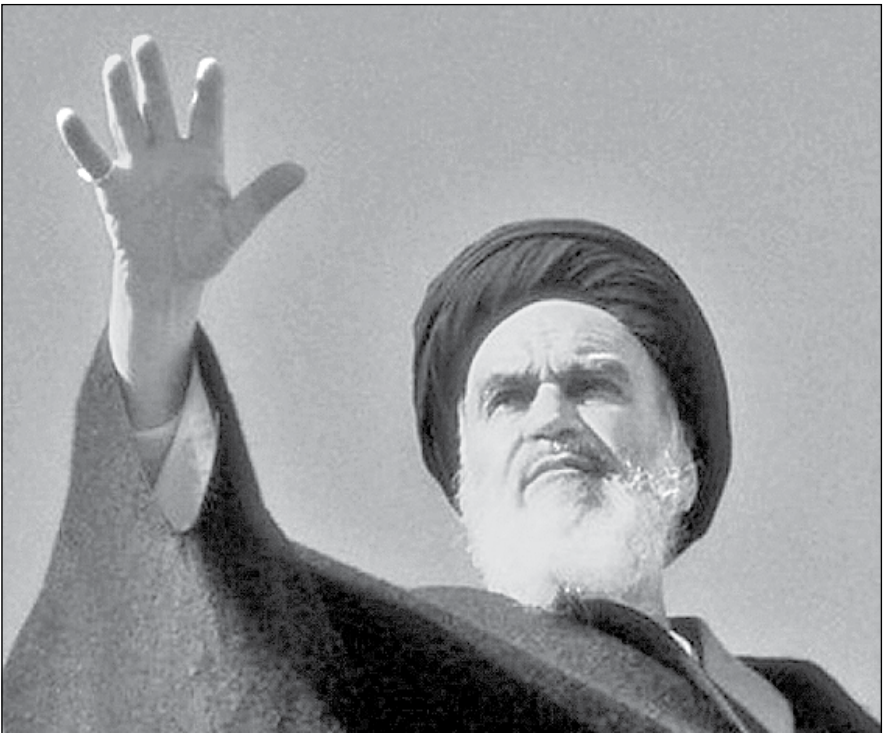
**اگر انقلاب اسلامی حتی روی حجاب جوانان فلسطینی نیز اثر کرد و بعد از وقوع انقلاب بود که مثلا ۹۰ درصد دانشجویان دانشگاه معروف «لنجاح» به حجاب اسلامی رو آوردند.**

حقیقت مسلم است که سنن الهی تغییر نمی‌کند. خداوند ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آن ملت از درون تغییر کند. این‌ا از مقدرات الهی بود که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی برسد و در جهت خدمت به‌عالی‌ترین و پاک‌ترین مسئله جهان که همان مسئله فلسطین است قرار بگیرد. به آنهایی که می‌گویند و مدعی هستند که برای چه ایران در کنار ملت فلسطین ایستاده است ما عرض می‌کنیم که این یک مسئله عملکردیانه و بر اساس منافع است که ایران دارد و بالاتر از آن یک حتمیت و تقدیر الهی است که خداوند در آسمان آن را مقدر کرده است خداوند زمینه‌ها و بسترهایی برای آن فراهم کرده که این مقدر شود.

### ویژه‌نامه دهه فجر



**اگر انقلاب اسلامی یک حادثه عادی نبود. این انقلاب در حجم، قدرت و تاثیر گذاری در قرن بیستم بسیار استثنایی بود.**



# انقلاب اسلامی ایران یک سونامی بود

این جنس ناهمگون را از میان خود بزدایم و این ملت‌های اسلامی که دل‌های پاکي دارند خواهان وحدت هستند. اجازه می‌خواهم که سخن آخر خود را در این قسمت داشته باشم مسافانه باید عرض کنم آنچه که من امروز می‌بینم آن راه‌هایی که از آن گذر می‌کنیم چاره ای از آن نیست. من نباید علیه آمریکا و استتیکار سخن بگویم و اشاره‌ای به ناکامی‌های خودمان نداشته باشم. همان طور که برادر بزرگم جناب آقای ابوشریف هم اشاره داشتند ما باید همیشه آمریکا را به عنوان شیطان بزرگ دشمن خود بدانیم. هیچ کدام از ما «من» نباید بگوییم سخن باید «ما»باشد وقتی می‌گویم ما منظورم ما مسلمانان است. متأسفانه ما کاخ‌هایی را بسا کردیم و نمی‌خواهیم آن را رها بکنیم. یک سنگره‌های متحجرانه بنا کردیم و مسیر درست این است که آن را رها بکنیم.بنابراین بازخوانی ما از حوادث برای برون رفت از این مشکل، جمعی باید باشند نه فردی، اینجوری نباید باشد که گروهی شما را به یک سمت و سوی سیاسی و گروهی دیگر به سمت و سویی دیگر بکشند در این وضعیت افتخار و سربلندی نیست.

**ابوشریف:** حرف من هم همان سخنان جناب آقای دکتر قدومی است. ملت‌های اساسی منطقه که در طول ۱۴۰۰ سال تاریخ اسلام در تحولات موثر بودند عربان، ایرانی‌ها و ترک‌ها بودند. همیشه این قوم‌ها در منطقه حرف اول را می‌زدند. اگر عرب‌ها از مسئله‌ای دست برداشتند ایرانی‌ها آن را ادامه دادند یا فارسی‌ها اگر دست برداشتند ترک‌ها به آن اقدام کردند. مثلا زمانی که مصر از صحنه مبارزه با رژیم صهیونیستی خارج شد ایران بعد از انقلاب اسلامی به این کار اقدام کرد. من حرفی که به مسئولان ایران دارم این است که این خطی را که از گذشته شروع کرده و ادامه داده‌اند باید آن را حفظ کنند. ما خودمان را نیز بخشی از انقلاب اسلامی می‌دانیم.

ما باید به خط اسام خمینی در زمینه حمایت از مقاومت ملت فلسطین ادامه بدهیم. باید با هم متحد شویم و فلسطین را در راس اولویت‌های خود قرار بدهیم بر اساس همان نظر و دیدگاهی که حضرت امام خمینی نقلی داشتند. ما باید مشکلات خودمان را با خرد جمعی حل و فصل کنیم. انقلاب اسلامی یک دستاورد بسیار بزرگی برای ملت فلسطین بود و باعث شد بخش زیادی از قدرت رژیم‌صهیونیستی ناپود شود.چرا که ایران تبدیل به دشمن شماره یک رژیم‌صهیونیستی شد. ما باید دوباره مسئله فلسطین را در راس اولویت‌های خودمان قرار بدهیم و ما از ایران می‌خواهیم که تمام رویکردهای امت اسلامی را در این زمینه متحد بکند و آن را در جهت حمایت از مقاومت ملت فلسطین به کار بگیرد.

**اگر انقلاب اسلامی چه تاثيری بر روند مبارزاتی جنبش جهاد اسلامی داشته است؟**
**ابوشریف:** تا صد سال پیش همواره گفت‌وگو‌ها و فعالیت‌های فکری بین ملت فلسطین وجود داشت و این گفت‌وگو‌ها هیچ‌گاه متوقف نشد. تبع دشمن صهیونیستی از بدو انقلاب تا به امروز ما هستند باید همواره بیدار باشند و هوشیاری خود را حفظ کنند. قبل از انقلاب اسلامی جنبش اخوان‌المسلمین در فلسطین شکل گرفته بود و مناقشات نیز درباره خود وضعیت فلسطین در داخل این جنبش وجود داشت. در گذشته همان طور



که گفتم چپ‌گراها در اوایل مثل جنبش فتح قدرت داشتند فتح در ابتدا یک جنبش اسلامی بود ولی در ادامه از آن هویت اسلامی خود دور شد بعد از آن نیز گفت‌وگوهایی انجام شد که نقش اسلام به مسئله فلسطین برگردد که انقلاب اسلامی در این زمینه نقش بارزی داشت. همان طور که گفتم در همان زمانی که گفت‌وگو‌ها بین اخوان‌المسلمین در جریان بود انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و این انقلاب انگیزه‌ای به روند حرکت به سمت اسلام‌گرایی داد. جناب آقای «دکتر فتحی شقاقی» نمونه دیگری است ایشان به عنوان بنیانگذار جنبش جهاد اسلامی یکی از اعضای مهم جنبش اخوان‌المسلمین بود. حتی خود جنبش جهاداسلامی فلسطین نیز ایده اولیه آن از اخوان‌المسلمین بود. حتی سران جنبش نیز مثل «بومرزوق» از اخوان‌المسلمین بودند اما انقلاب اسلامی تاثیر زیادی بر این روند حتی در داخل جنبش فتح گذاشت. و از چپ‌گرایی به اسلام‌گرایی روی آوردند حتی اندیشمندانی مثل آقای «منیر شفیق» نیز به این به روند روی آوردند. این روندی را که به شما گفتم روند فکری بسیار عمیقی بود و شاخه‌های بسیار زیادی داشت. حتی بعد از مدتی اخوان‌المسلمین اردن نیز در این گفت‌وگو‌ها شرکت کرد پس از آن بود که در دهه ۸۰ میلادی گروه‌هایی در درون جنبش جهاد اسلامی شکل گرفتند و پس از چند سال می‌توانم بگویم که تمام گروه‌ها وارد جهاد و مبارزه با رژیم صهیونیستی شدند در واقع نقش حرکت‌های اسلامی در این زمینه بسیار مهم بود و به این نتیجه رسیدند که باید نقش اسلام در زمینه مبارزه با رژیم صهیونیستی دوباره احیا شود. علت دیگری که به این‌س حرکت و احیای جریان اسلامی انگیزه مضاعفی داد شکست دولت‌های عربی مقابل رژیم صهیونیستی بود. من در آخر باید بگویم انقلاب اسلامی ایران نقش معنوی و سیاسی عظیمی در زمینه مسئله فلسطین داشت که نماد آن همان تشکیل جنبش‌های اسلامی مثل جهاد اسلامی و حماس در نوار غزه و کرانه باختری بود.

**تاثیر انقلاب اسلامی بر حماس چگونه و به چه صورت بود؟**
**خالد قدومی:** روابط و مناسبت ما با ایران از دهه ۹۰ میلادی شروع شد. ما در جنبش حماس جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نیرو و حامی اساسی ملت فلسطین و امت اسلامی می‌دانیم و به واسطه خود ایران اسلامی و همکاری امت اسلامی و عربی می‌توانیم قدس را آزاد کنیم. این چارچوب



**قدومی: نخبگان جهان اسلام اجازه دادند که دشمنان از درون به صفوف امت اسلامی رخنه کنند.**

کلی بود که عرض کردم. ایران تنها کشوری بود که مقاومت اسلامی فلسطین را با سلاح حمایت کرد. برای مثال عرض کنم ما حمایت‌های بسیاری را از جاهای مختلف و کشورهای عربی و اسلامی دریافت می‌کنیم اما حمایت ایران از فلسطین برای رژیم صهیونیستی بسیار دردآور بود. حمایت ایران از مقاومت در عرصه میدانی و عملیاتی و پیشرفت مقاومت بسیار موثر بود. وقتی از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم ما به ایران به چشم یک کمک‌نگاه نمی‌کنیم بلکه به ایران به عنوان یک شریک در رویارویی با رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مشترک نگاه می‌کنیم. شهید احمد یاسین همواره تاکید می‌کرد که ملت فلسطین طلاهدار است اسلامی در مقابله با رژیم صهیونیستی برای حمایت از امت اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران

این مسئله را به خوبی دریافت و به آن عمل کرد، ما خواستار کمک‌های بیشتری از ایران به عنوان یک شریک و همیار هستیم.



**فساد عصر پهلوی**

## فرح پهلوی زباززد در بی‌بند و باری

فساد دربار نه‌تنها در چهار دیواری کاخ‌های پهلوی نماند، بلکه در تمام ارکان رژیم ریشه زد. نهادهای رژیم هرچه به دربار نزدیک‌تر بودند بیشتر به مظهر فساد تبدیل می‌شدند و کم‌کم از درون می‌پوسیدند و ناگهان فرو می‌ریختند. فساد در رژیم پهلوی جزئی از ماهیت آن شده بود تا جایی که فساد دربار کم‌کم از پرده برون افتاد و مردم مسلمان ایران را سخت به عکس‌العمل واداشت. بخش اعظم تظاهراتی که از سال ۱۳۵۶ در ایران آغاز شد، متوجه فساد دربار بود. به گفته ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی: «اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان بپرسید چرا رژیم را مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند و جواب آنها را جمع کنید، فساد و انحطاط اخلاقی رژیم در ردیف اول پاسخ آنها خواهد بود.»

اگر شعارها، دیوار نوشته‌ها و پلاکاردهای مردم ایران در دوره انقلاب تجزیه و تحلیل شود، این ادعا را ثابت می‌کند که فساد دربار پهلوی یکی از عوامل اعتراض آشتنی‌ناپذیر مردم ایران بود. بسیاری از شعارهای مردم، فساد رژیم و مظاهر فساد و عوامل آن را مورد اعتراض قرار می‌دادند. در ادامه این نوشتار و به عنوان نمونه، گذری برمقولات نزدیکان فرح پهلوی درباره مفاسد اخلاقی او خواهیم داشت: فرح پهلوی در یک خانواده بی‌بند و بار تربیت شده بود. پدرش یک استوار ارتش بود که به علت سرطان درگذشت و او به‌زودی با مادرش راهی تهران شد. دایی فرح، محمدعلی قطبی سرپرستی هر دو را بر عهده گرفت. در این خانواده هیچ‌یک از امور شرعی مراعات نمی‌شد. فرح در تهران در مدرسه ژاندارک تحت نظر راهبه‌های فرانسوی دبستان و دبیرستان را طی کرد. به گفته مادر فرح، فرح با پسردایی‌اش، رضا قطبی «در زیر یک سقف زندگی می‌کردند.»

محمدعلی قطبی تصمیم گرفت فرزندش رضا را برای تحصیل به فرانسه بفرستد. فرح که اینک دختر ۱۸ساله‌ای شده بود، «مرا وزدید او را هم همراه با رضا به فرانسه» بفرستند و سرانجام دو جوان با یکدیگر برای تحصیل به فرانسه رفتند.

فرح در فرانسه با چهار دوست جدید به نام‌های لیلی امیرارجمند، کریم پاشا بهادری، فریدون جوادی و بژورن مایرولد آشنا شد. لیلی امیرارجمند بعدها در کاخ پهلوی به جرگه دربار پیوست و سپس همه‌کاره فد در کانون پرورش فکری کودکان شد. لیلی امیرارجمند از میثقل‌ترین زنان و مظهر فساد دربار بود. ملکه مادر در توصیف خانم امیرارجمند می‌گوید: «این خانم نمونه یک زن بی‌بندوبار و آزاد از هر نوع قید و بند بود... گاهی اوقات ۱۰، ۱۵ و ۲۰ زن از کارکنان دربار و ندیمه‌ها و خدمه و دوستانش را لخت لخت مادرزاد می‌کرد و در استخر کاخ بدون هیچ پوششی شنا می‌کردند.» یک مرتبه سرپرست خدمه‌های کاخ به لیلی اعتراض کرد و گفت: «این کار جلوی کارگران کاخ خوب نیست.» لیلی گفت: «بگذار نگاه کنند، برای سوی چشمشان خوب است.» شوهر لیلی امیرارجمند، حسینعلی امیرارجمند از او بی‌غیرتر بود. «هر وقت مردی (لیلی) ازت زن را می‌پوسید، او مؤذنبانه تشکر می‌کرد.» مادر فرح نیز از فساد این دوست شبانه‌روزی فرح تعجب می‌کند و می‌نویسد: «البته من از بی‌پروایی جنسی لیلی ناراضی بودم، به‌ویژه در مسافرت‌های نوشهر و کیش عادت داشت بدون هیچ پوششی وارد دریا شود و برایش اهمیتی نداشتند که ده‌ها نفر نگهبان و گاردی‌ها دارند او را تماشا می‌کنند.»

لیلی امیرارجمند با این همه فساد، شب و روز در کنار فرح بود. هرگاه در تهران بودند، در کاخ بود و هرگاه مسافرت می‌رفتند ملتمز رکاب بود. امیرارجمند چنان به فرح علاقه نشان می‌داد که حتی می‌کرد حتی در طرز لباس پوشیدن و آرایش شبیه فرح باشد. به فرح نیز سعی می‌کرد در بی‌بندوباری شبیه امیرارجمند باشد. به فرحی از محافظ شاه «این خانم از دوستان ملکه، فرح دیبا بود و خیلی از کارهای آنها مثل هم بود. مثلاً در وقاحت و بی‌شرمی کاملاً شبیه هم بودند. از اینکه جلوی مردم برهنه قدم بزنند، لذت می‌بردند. البته گاهی فرح در اثر فشار مادرش کمی رعایت می‌کرد.» البته لیلی دیگری نیز به نام «لیلی دفتری» دختر سرتیپ دفتری که در وقاحت دست کمی از امیرارجمند نداشت، جزو حلقه دوستان فرح بود. این دو نفر نیز وقتی در نوشهر همراه فرح بودند با وضع قبیحی روی ماسه‌ها می‌خوابیدند و در مقابل سربازان گارد حرکات شنیعی می‌کردند.

در دوران حاکمیت رژیم پهلوی و حتی پس از آن، همواره خبرهایی درباره فساد اخلاقی و جنسی سران حکومت در نزدیکان آنها در جامعه و رسانه‌ها منتشر می‌شد. فرح دیبا همسر محمدرضا شاه معدوم یکی از افرادی بود که با آنکه خبرهای بسیاری درباره فساد اخلاقی او منتشر می‌شد، اما کسی از اصل ماجرا مطلع نبود. معروف‌ترین رابطه و فساد جنسی فرح دیبا در زمان حیات محمدرضا شاه، رابطه او با فریدون جوادی بود. فرح از افشای این ماجرا واهمه‌ای نداشت، زیرا می‌گفت: ... خود محمدرضا مرا آزاد گذاشته، من آزاد هستم و اختیار پایین تنهام را دارم! بعد از مرگ محمدرضا شاه معدوم نیز این ملکه فاسد، بی‌کار نشست و در مهمانی‌های خاص خود دست به انتخاب مرد دلخواه می‌زد، تا جایی که چند سال پیش پسرش به‌طور مشکوکی خودکشی کرد. برخی گفته‌اند عییش پهلوی در بی‌اعتراض به این‌گونه روابط مادرش خودکشی کرده بود.

